

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ هویت و صفات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**نقد**نویسنده: **سید محمد**تاریخ: **۱۳۹۴/۲/۲۵**

شما در وبسایت مرتب از فردی صحبت می‌کنید به نام منصور هاشمی خراسانی و در بسیاری از نوشته‌ها که این فرد مورد خطاب است از او به «جناب» نام برده‌اید. من هیچ قضاوتی راجع به شما و ایشان نمی‌کنم، اما بهتر نبود یک مقدار راجع به زندگی‌نامه ایشان، رفتار و منش ایشان و نیز کمی بی‌پرده‌تر راجع به برنامه‌های ایشان مطلبی می‌نوشتید؟ در هاله صحبت کردن و راز آلود بودن چیزی را حل نمی‌کند. با تشکر سید

بررسیتاریخ: **۱۳۹۴/۲/۲۵**

برادر محترم!

از آنجا که روشن است جناب‌عالی تحت تأثیر القائات مغرضانه و تبلیغات دروغ اعوان ظلمه هستید و در گیر و دار هجمه‌های هتاکان از یک سو و مدعیان از سوی دیگر، بصیرت و انصاف خود را از دست داده‌اید، نکات زیر را به شما گوشزد می‌کنیم:

اولاً اینکه «ما در وبسایت مرتب از فردی صحبت می‌کنیم به نام منصور هاشمی خراسانی» طبیعی است؛ چراکه این وبسایت، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر این بزرگوار است و تبعاً هدفی جز ارائه‌ی اندیشه‌ها و آرمان‌های اسلامی ایشان ندارد. با این وصف، آیا جناب‌عالی توقع داشتید که مرتب از فرد دیگری جز ایشان صحبت کنیم؟!

ثانیاً اینکه «در بسیاری از نوشته‌ها که این فرد مورد خطاب است از او به جناب نام برده‌ایم»، نشان دهنده‌ی کمترین احترام ما به یک عالم مسلمان است. آیا جناب‌عالی کمترین احترام ما به یک عالم مسلمان را بر نمی‌تابید و جز به بی‌احترامی درباره‌ی او راضی نمی‌شوید؟! امثال جناب‌عالی که از عالمان مورد علاقه‌ی خود با عجیب‌ترین القاب و غریب‌ترین عناوین یاد می‌کنید، چرا از اطلاق لفظ ساده و پیش پا افتاده‌ی «جناب» بر یک عالم مورد علاقه‌ی

دیگران مکدر می شوید؟! آیا به این دلیل که او از عالمان مورد علاقه‌ی شما بر پایه‌ی کتاب خدا و سنت متواتر پیامبر و در روشنایی عقل سلیم انتقاد کرده و تقلید کورکورانه از آنان را نادرست شمرده است؟! یا به این دلیل که توسط حاکمان و سیاستمداران شما به عنوان یکی از عالمان و مراجع رسمی معرفی نشده است؟! این چیست جز تنگ‌نظری شما و بی‌انصافی و انفعالی که تا عمق اندیشه‌ی تان نفوذ کرده است؟!

ثالثاً اینکه می‌فرمایید «هیچ قضاوتی درباره‌ی ایشان نمی‌کنید»، به هیچ وجه قابل قبول نیست؛ زیرا قضاوت نکردن در اسلام معنا ندارد و تنها در فرقه‌هایی مانند «مرجئه» قابل قبول است. چیزی که در اسلام خواسته شده، «درست قضاوت کردن» است نه «قضاوت نکردن» و با این وصف، وظیفه‌ی شماست که درباره‌ی منصور هاشمی خراسانی مانند هر اندیشمند دیگری قضاوت کنید، ولی آیا این کار به آگاهی شما از خصوصیات ظاهری و اعتباری ایشان نیاز دارد؟! بدون شک نه؛ چراکه قضاوت درباره‌ی اندیشمندان بر پایه‌ی اندیشه‌هاشان انجام می‌شود، نه بر پایه‌ی خصوصیات ظاهری و اعتباری‌شان و اندیشه‌های منصور هاشمی خراسانی کاملاً روشن و در دسترس است، اگرچه خصوصیات ظاهری و اعتباری‌اش پوشیده باشد. کسانی که می‌خواهند با توجه به خصوصیات ظاهری و اعتباری افراد درباره‌ی آنان قضاوت کنند، در قضاوت خود دچار اشتباه خواهند شد؛ چراکه خصوصیات ظاهری و اعتباری افراد از یک سو میان آنان و دیگران مشترک است و از سوی دیگر ملازمه‌ای با درستی یا نادرستی اندیشه‌هاشان ندارد و با این وصف، می‌تواند بسیار فریبنده و غلط‌انداز باشد. از این رو، مبنای قضاوت درباره‌ی افراد، راه و روش و آرمان آنان است که هرگاه مطابق با حق باشد، از حق مدار بودن آنان و هرگاه مطابق با حق نباشد، از حق مدار نبودن آنان پرده بر می‌دارد و روشن است که راه و روش و آرمان منصور هاشمی خراسانی، مطابق با حق است؛ زیرا چنانکه در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» تبیین شده، در تطابق کامل با یقینیات اسلام و قدر متیقن و مشترک عقاید مسلمانان است، اگر چه با ظنون و اوهام مورد اختلاف آنان، تعارض داشته باشد.

رابعاً در پاسخ به این پرسش شما که آیا «بهتر نبود یک مقدر راجع به زندگی‌نامه‌ی ایشان مطلبی می‌نوشتید؟» باید بگوییم که مسلماً بهتر بود، اما نه تنها برای افراد کنجکاوی مانند شما که تنها می‌خواهید غریزه‌ی کنجکاوی خود را ارضا کنید، بلکه برای دشمنان قسم خورده‌ی ایشان نیز هم که می‌خواهند با آگاهی از جزئیات سوابق ایشان مانند تاریخ و محل تولد و نیز محل سکونت و تحصیلات ایشان و اطلاعات شخصی دیگری از این دست، از یک سو به ایشان دسترسی پیدا کنند تا ریشه‌ی نهضت زمینه‌سازی برای اقامه‌ی اسلام ناب و ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین را بخشکانند و از سوی دیگر بهانه‌ها و دست‌آویزهای لازم برای تبلیغات کاذب بر ضد ایشان و فریب افکار عمومی را بیابند؛ چراکه به عنوان مثال، اگر بدانند ایشان

زاده‌ی ایران است و در مدارس این کشور تحصیل کرده است، ادّعا می‌کنند که او یک شیعه‌ی رافضی و دست‌نشانده‌ی ایران برای ضربه زدن به اهل سنّت است و اگر بدانند که ایشان زاده‌ی افغانستان است و در مدارس پاکستان تحصیل کرده است، ادّعا می‌کنند که او یک سنّی وهابی و دست‌نشانده‌ی عربستان برای ضربه زدن به اهل تشیّع است و اگر بدانند که ایشان زاده‌ی ترکستان چین است و در هیچ یک از مدارس آنان تحصیل نکرده است، ادّعا می‌کنند که لابد او یک کمونیست و دست‌نشانده‌ی کافران برای ضربه زدن به اصل اسلام است و خلاصه هر گونه آگاهی از سوابق ایشان را بهانه و دست‌آویزی برای ضربه زدن به نهضت فرامذهبی و فراملّی ایشان قرار می‌دهند، در حالی که این عالم بزرگوار متعلّق به هیچ مذهب و ملیتی نیست و تنها متعلّق به اسلام است و می‌کوشد تا با آزادگی کامل از وابستگی‌های مذهبی و ملی، همه‌ی مذاهب اسلامی را به گرد مهدی متحد کند.

البته این به آن معنا نیست که هیچ کس از زندگی ایشان اطلاعی ندارد؛ چراکه زندگی ایشان برای ده‌ها نفر از یارانشان معلوم است؛ همچنانکه بسیاری از مردم در محلّ زندگی‌شان با ایشان ارتباط دارند و از خرمن علم ایشان بهره می‌برند و اخلاق اسلامی‌شان را به چشم مشاهده می‌کنند. ایشان با آنکه محلّ اقامت ثابتی ندارد، تقریباً همه‌ی نمازها را در مسجد و به جماعت می‌گزارد و بسیاری از مردم عادی نیز در جماعت ایشان شرکت می‌کنند و تنها اجازته‌ی فیلم‌برداری و عکس‌برداری از ایشان را ندارند. ایشان بعد از هر نماز با مردم عادی سخن می‌گوید و به پرسش‌های آنان پاسخ می‌دهد و حوائج آنان را برآورده می‌سازد. ایشان از همسایگان خود سرکشی می‌کند و با اقشار مختلف مردم معاشرت دارد و سخت مورد علاقه و احترام آنان است. ایشان مجالس درس معنوی و پربراری را با موضوع عقیده و فقه برگزار می‌فرماید و مسلمانان از مذاهب مختلف در محضرشان حاضر می‌شوند. سخنان ایشان به فارسی و عربی، با دقّت توسط یارانشان نوشته می‌شود و برخی از آن برای انتشار در پایگاه اطلاع‌رسانی‌شان تحت عنوان «گفتارهای منصور هاشمی خراسانی» گزینش می‌گردد. با این همه، تدابیر ویژه‌ای برای پنهان نگاه داشتن هویت و مکان ایشان از چشم دشمنانشان اندیشیده شده که با دقّت توسط یارانشان در حال اجراست. این تدابیر به گونه‌ای است که دشمنان ایشان را درباره‌ی هویت و مکان ایشان متحیّر ساخته و به غلط انداخته است؛ تا حدّی که بارها افراد مختلفی را با ایشان اشتباه گرفته‌اند! از اینجا دانسته می‌شود که بر خلاف پندار خام و نسنجیده‌ی امثال جناب عالی، «در هاله صحبت کردن و راز آلود بودن» گاهی برخی چیزها را حل می‌کند و این مبنای «تقیّه» در اسلام است؛ زیرا اسلام به یک مسلمان با چنین وظیفه‌ی خطیر و آرمان بلندی اجازه نداده است که خود را بدون ضرورت، در معرض تیرهای بدخواهان قرار دهد و بازیچه‌ی دست کنجکاوان بی‌کار سازد، بل با تشریح «تقیّه» از او خواسته است که خود را تا حدّ

ممکن از تیررس آنان و دسترس اینان محفوظ دارد و تا هنگام حصول شرایط ظهور، در خفا گام بردارد. این همان قاعده‌ی معقول و مشروعی است که خلیفه‌ی خداوند مهدی را به غیبت وا داشته و در طول سال‌های متمادی از تیررس دشمنان دانا و دسترس دوستان نادان حفظ کرده است. البته روشن است که هر کس امانت و حسن نیت خود را با ایمان و عمل صالح به اثبات رساند، زمینه برای آگاهی بیشتر او درباره‌ی جناب منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی فراهم می‌شود و حتی می‌تواند بدون هیچ مشکل و محدودیتی، مانند بسیاری دیگر از مردم به محضر ایشان راه یابد و از خرم‌ن علم و اخلاق اسلامی ایشان بهره‌مند شود، ولی کسی که امانت و حسن نیت خود را به اثبات نرسانده، بلکه دشمنی و غرض‌ورزی او محسوس است، محال است که بتواند با زیاده‌خواهی و سخنانی احمقانه به مقصود خود دست یابد؛ چراکه حق مطلقاً تابع اهواء او نخواهد شد، مگر آنکه آسمان بر زمین آید؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ﴾**؛ «و اگر حق از خواهش‌های آنان تبعیت کند هرآینه آسمان‌ها و زمین و هر کس در آن‌هاست تباه می‌شود، بلکه ما مایه‌ی تذکرشان را برایشان آوردیم، ولی آن‌ها از مایه‌ی تذکرشان روی گردانند».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
مجلس خبری رهبری قلم‌ها

